

حسین سلطان محمدی

تشویق یک قدم به جلو

امیرمؤمنان علی(ع) در حکمتی نورانی این چنین فرموده است:^۸

«کنهکار را به وسیله پاداش دادن به نیکوکار تشبیه کن» بنابراین، تشویق فقط نقش قدرانی ندارد بلکه نقش برانگیختن تحول انسان در جهت مطلوب را دارد در سخنان امیرمؤمنان(ع) وارد شده است:^۹

«نفس‌های خود را به سوی بهشت مشتاق کنید» از سوی دیگر نقش تشبیه در تربیت به نوعی ایمن‌سازی است نه تخریب چه چرا که تشبیه در حقیقت نوعی ییلر سازی و ادب آموزی است تا انسان را از بدی و پلیدی بازدارد زیرا انسان پیوسته در معرض اشتباه و خطا و انحراف و گناه است و نفس سرکش انسان تا به دست خود آدمی مهار نشود شخص را به سوی گناه و نافرمانی می‌کشاند به فرموده آن امام همام علی(ع):^{۱۰}

«همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می‌دهد پس هر کس آن را واگذارد او را به سوی گناهان می‌کشاند» تشبیه به عنوان امری تبعی و نه اصلی، آنجا که راهی دیگر برای ییلر کردن و درمان نمودن وجود ندارد به کار گرفته می‌شود به بیان آن حضرت(ع):^{۱۱}

«کسی که با خوشرفتاری اصلاح نشود با خوب کفر کردن اصلاح می‌شود»

البته ذکر این نکته لازم است که چه تشویق و چه تشبیه زمانی مؤثر و کارساز است که مبتنی بر ادبی صحیح انجام گیرد در غیر این صورت به آسیب‌های جبران‌ناپذیر شخصیتی و روحی و اجتماعی منجر خواهد شد

• آداب تشویق:

در اینجا به بعضی از آداب تشویق اشاره می‌کنیم: (الف) تشویق باید به فعل و عمل و صفت نیک شخص تعلق گیرد تا برانگیزنده و تقویت‌کننده باشد (ب) تشویق نباید به گونه‌ای صورت پذیرد که موجب خودبینی و خروج از اعتدال شخص گردد

(ج) در تشویق نمودن باید عناصر زمان، مکان و مرتبت شخصی تشویق‌شونده در نظر گرفته شود تا موجب تأثیرات منفی نگردد و نقش رشددهنده خود را ایفا سازد چنان که امیرمؤمنان علی(ع) بدین امر این گونه اشارت نمودند:^{۱۲}

«ستایش بیش از استحقاق، تعلق است و کمتر از استحقاق، درماندگی، یا رشک و حسد برهن است»

(د) اصل تشویق هدف نیست از این رو نباید رفتاری شود که تشویق به صورت هدف در ییاد که در این حالت نقش اصلی خود را در تربیت از دست می‌دهد

(ه) تشویق باید چنان باشد که شخص خود را مستحق آن بداند و آنچه بدان می‌رسد برای او تبیین شده باشد تا نقشی سازنده داشته باشد

(ز) گاهی تشویق باید مادی باشد و گاهی معنوی تا نقش تربیتی و سازنده‌ای داشته باشد چرا که گاهی یک سخن در حق یک شخص ممکن است اثراتی به مراتب بیشتر و عمیق‌تر از هزاران هزار جایزه مادی داشته باشد امیرمؤمنان علی(ع) زمانی که به عیادت صمصحه بن صوحان رفته‌او را این چنین تشویق نمود:

«ایک ما علمت حسن العمونه خیف المؤونه»^{۱۳} (همانا تو تا آنجا که دست‌نظام یابوری نیکو و کم هزینه‌ای)

• آداب تشبیه:

باتوجه به اینکه تشبیه امری تبعی و عرضی است و نباید به صورت امری اصلی در تربیت مورد استفاده قرار گیرد لازم است حتی المقدور از آن پرهیز شود اما در صورتی که چاره‌ای جز تشبیه نباشد باید موارد زیر را در آن رعایت نمود:

«تشویق» برانگیختن و به شوق آوردن است!^۱ «تشبیه» ییلر کردن و آگاه کردن و ادب کردن و هشیار

ساختن است.^۲ روش تشویق و تشبیه به کار گرفتن ادبی است برای تحقق این معنا و مفهوم در آدمی، یعنی ادبی برای برانگیختگی و باز دارندگی برای شکوفا شدن استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق. امیرمؤمنان علی(ع) درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی چنین فرموده است:^۳ «لن الله سبحانه وضع الثواب علی طاعته، والقباب علی معصيته، ذیاده لمباده عن تقمته، و حياشه لهم الی حتمه»

(همانا خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش بازدارد و به سوی بهشت روانه سازد)

پیامبران الهی نیز مردمان را با بشارت و انذار به سوی مقصد کمال راه می‌برند و شأن پیامبر(اکرم(ص) نیز این چنین بود: چنانکه امیرالمؤمنین در این رابطه می‌فرماید:^۴ «آمین وحیه و خاتم رسله و بشیر رحمته و نذیر تقمته»

(آمین وحی اوست وخاتم فرستادگانش، رحمت او را مژده دهنده و از کفر او ترساننده)

از این رو هنر مربی برانگیختن و بازداشتن است یعنی هنر شایق کردن به انصاف به کمالات حقیقی و هشیار نمودن در دوری از آنچه که موجب تباهی است در این میان باید میان نیکان و بدان و شایستگان و ناشایستگان فرق گذاشت و با هر یک به تناسب وضع و حالش رفتار کرد و به وسیله تشویق و تشبیه مناسب راه را ظاهر نمود همان گونه که امیرمؤمنان علی(ع) در عهدنامه خطاب به مالک اشتر این چنین فرمود:^۵

«هرگز نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند که آن رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادار نماید و هر یک از ایشان را مطابق کارش جزا ده» بنابراین روش تشویق و تشبیه در میلان عمل به شناخته‌ترافقه و دقتی طبیعی نیاز دارد تا نقش خود را در تربیت به درستی ایفا نماید

• «نقش» و تأثیر تشویق و تشبیه در تربیت»

در تربیت انسان اصل بر تشویق و ترغیب است. تشویق عاملی است در برانگیختن آموختن به سوی اهداف تربیت و نیز وسیله‌ای است برای تقویت انسان‌ها در خیرها و ترغیب به تلاش بیشتر و فراهم کردن نشاط لازم در تربیت زیرا انسان به واسطه فطرت خویش، مایل به کمالات و نیکویی و دوستدار تشویق و قدرانی است. بر این اساس بهترین روش در برانگیختن انسان‌ها به سوی کمال و دور کردن از نقص، تشویق و قدرانی است نه تشبیه و مجازاته تشبیه و مجازاته فقط آن هنگام به کار گرفته می‌شود که روش‌های دیگر نتیجه ندهد و چاره‌ای جز آن برای ییلری و هشیار آدمی و درمان و سامان انسان نباشد باتوجه به اینکه در تربیت باید اصل بر تشویق و قدرانی باشد امیرمؤمنان علی(ع) فرموده‌اند:

ضاحا القسوه بالرفقه؟ از راه نرمی و ملرا با سخت دلی بستیزید

ضاحو الاساه بالاحسان: ۷ به وسیله نیکی با بدی بستیزید

تشویق و قدرانی، نیروهای خفته آدمی را برمی‌انگیزد از این رو نقش تربیتی مثبت تشویق و قدرانی فقط برای نیکوکاران نیست بلکه در صورت اصل قرار دادن تشویق و به وجود آوردن قدرانی و فضایی از رحمت و محبت می‌توان بدکاران را نیز به درستی متعایل ساخت و این خود روشی احسن در ییلری و هشیار آدمی است از این رو است که

تشویق فقط نقش قدرانی ندارد بلکه نقش برانگیختن تحول انسان در جهت مطلوب را دارد در سخنان امیرمؤمنان(ع) وارد شده است.

از آنجایی که تشبیه عملی طبیعی است، باید کاملاً سنجیده و حساب‌شده باشد و از حد و مرز لازم فراتر نرود؛ چرا که هر گونه نسنجیدگی و بی‌دقتی در آن فاجعه‌بار است.



(الف) در ابتدا این نکته را باید در نظر داشت که حتی المقدور باید تمهیداتی فراهم گردد که زمینه جرم و خطا کم شود نه اینکه با دادن زدن به زمینه خطا و جرم میلان تشبیه و مجازات را گستراند امیرمؤمنان علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر او را متوجه این امر تربیتی نموده و او را فرمان داده است که با تأمین کافی کارکنانش زمینه خطا و جرم را بکاهد:

«پس روزی آنان را فراخ‌دار، که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند و بی‌نیاز باشند تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند و جعتی باشد بر آنان اگر فرامان را نپذیرفتند یا در امانت خیانت ورزیدند»^{۱۴}

(ب) در تشبیه و مجازاته آنچه که اعمال می‌شود باید متوجه خلاف و جرم باشد نه شخصیت انسانی و وسیله‌ای گردد برای جنایی شخص از اشتباه و گناه

(ج) از آنجایی که تشبیه عملی طبیعی است باید کاملاً سنجیده و حساب‌شده باشد و از حد و مرز لازم فراتر نرود؛ چرا که هر گونه نسنجیدگی و بی‌دقتی در آن فاجعه‌بار است امیرمؤمنان زیدالدوری در تشبیه را موجب گستاخی و افزون‌تر شدن لجاجت می‌دانند: «فراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزون‌تر می‌کند»

(د) در صورت احساس پشیمانی نباید شخص را تشبیه نمود و حتی نباید در آینده شخصی را به یاد گناه و اشتباهش انداخت و به تکرار غرضخواهی و انباشت حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرماید: «در تکرار نمودن غرضخواهی، به یاد گناه انداختن است»^{۱۵} همچنین می‌فرماید: «کسی که غرض خواهد گویا گناه نکرده است»^{۱۶}

(ه) در تشبیه باید توجه شود در صورت به نتیجه رسیدن با اقدامات نرم و لطیفه به هیچ وجه نباید به سوی اقدامات سخت و شدید رفت

(و) در تشبیه نمودن باید پیوسته فلسفه تشبیه مدنظر باشد و به هیچ وجه نباید تشبیه به سوی انتقام‌گیری راه ییاد تشبیه باید از سرمحبت و شفقت باشد نه از سر سلطوت و خشونت امیرمؤمنان می‌فرماید:

«ضرب خالکم اذا عصی الله و اعف عنه اذا عصاک»^{۱۷}

(اگر خنم‌کنار خدا را نافرمانی کرد، او را تشبیه کن، ولی اگر شخص تو را نافرمانی کرد او را ببخش)

(ز) تشبیه نمودن بهتر است در خفا باشد مگر در موارد خاص که موجب بازدارندگی عمومی شود

(ح) تشبیه هنگامی به درستی به بار می‌نشیند که شخص خطاکار خود را مستحق تشبیه بداند و هشدار بیرونی با ییلری درونی توأم شود

بی‌نوشته‌ها در دفتر مجله موجود است